

تاریخ: ۱۳۸۸/۷/۶  
اقتصاد: 2009/09/28

## فضای پرتنش اقتصادی و بانکی در ایران



نرخ بدهی ۱۱ بانک دولتی به بانک مرکزی در پایان سال ۸۷ از ۳۲ هزار میلیارد تومان گذشت. این بدهی از عوامل تورم و نقدینگی است. یک عضو اتاق بازرگانی، وام‌های کور دولت به بنگاه‌های زودبازده را از دلایل اصلی چنین رقمی می‌داند.

با دکتر پدرام سلطانی، کارشناس اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی و صنایع معادن ایران:

دوچیه‌وله: نوع دخالت دولت در امور پولی و بانکی چگونه بوده که بدهی بانک‌های دولتی به بانک مرکزی به چنین رقم هنگفتی رسیده است؟

پدرام سلطانی: دخالت‌ها مستقیم و غیرمستقیم بوده‌اند. سیاست حمایت از بنگاه‌های زود بازده که میتکر آن وزیر سابق کار بود، تکلیفی را برای بانک‌ها ایجاد کرد تا به بسیاری شرکت‌ها و افراد وام بدهند. توجه نشد که این شرکت‌ها و افراد تجربه و صلاحیت کافی برای اداره یک واحد اقتصادی دارند یا نه. در نتیجه وام‌های کلانی پرداخت شدند اما گیرندگان آنها، نتوانستند فعالیت اقتصادی مناسبی را سامان دهند و از بازپرداخت بازماندند.

بنگاه‌های دیگری هم بودند که در آستانه ورشکستگی قرار داشتند و دولت به دلایل خودش، می‌خواست آنها هم از منابع بانکی استفاده کنند، بنگاه‌هایی بودند که اصلاً توجیهی برای گرفتن وام نداشتند اما طبق دستور دولت، به عموم آنها وام پرداخت شد. این‌ها هم به مشکل ناتوانی در بازپرداخت دچار شدند.

اما سیاست‌های دیگر دولت در ۴ سال گذشته در عرصه داخلی و خارجی، موجب شد فضای کسب و کار و تولید روزبه‌روز پرتنش‌تر شود. آمارها و هم‌ترازی‌های موسسات بین‌المللی نشان می‌دهد که ما در ۴ سال گذشته، مدام در فضای کسب و کار و شفافیت و آزادی اقتصادی و بسیاری شاخص‌های دیگر، در مقایسه با کشورهای دیگر دنیا افت داشته‌ایم. نتیجه این شده که حتی واحدهای اقتصادی موجود که صلاحیت کار اقتصادی را دارند، نتوانند به دلیل مشکلاتی که در حوزه تولید، صنعت و صادرات و واردات برایشان به وجود آمده، فعالیت‌های خود را به درستی اداره کنند و سامان دهند. آنها نیز به همین دلیل موفق به پرداخت به‌موقع وام‌های خود نشده‌اند.

چه راهکارهایی برای برون رفت از این وضعیت وجود دارند؟

اولین و بدیهی‌ترین راه اینست که دولت این حرکت تکلیفی و دستوری را متوقف کند. ما در چند ماه گذشته شاهد بودیم که تعدادی از بانک‌های دولتی توسط بورس واگذار شدند و در نتیجه از تکالیف خود تا حدودی فارغ شدند. بانک‌های خصوصی شده، حداقل نفعی که از این تغییر می‌برند، این است که با خارج شدن از تکالیف دولت، منابع و مصارف خود را متعادل و تنظیم کنند.

در مورد صلاحیت‌های کاری بنگاه‌ها صحبت کردید. آیا شرایط بین‌المللی و فشارهای ناشی از بحران مالی و اقتصادی، خود بخود موجب افت صلاحیت بنگاه‌های معتبر و در نتیجه ادامه قروض آنها نمی‌شود؟

چرا. ما علاوه بر چالش‌های همیشگی و مزمن در حوزه تولید و کسب کار، متحمل اثرات تحریم و رکود اقتصادی هم هستیم. تا زمانی که نتوانیم با سیاست‌گذاری درست از این فضا خارج شویم، واحدهای اقتصادی کم‌اکن نخواهند توانست معوقات بانکی خود را پرداخت کنند. این متقابلاً موجب می‌شود که بانک‌های ما نیز نتوانند اضافه برداشت‌هایی را که از بانک مرکزی داشته‌اند، به آن برگردانند. ما در حال حاضر هم با سیاست‌های نادرست داخلی روبرو هستیم و هم با شرایط وخیم جهانی.

چه بخشی از وام‌های پرداخت شده به شرکت‌های ظاهراً خصوصی، به جیب شرکت‌های شبه دولتی و شبه نظامی رفته است؟ شرایط کنونی با توجه به دخالت روزافزون سپاه در حوزه اقتصادی و بانکی به کجا خواهد رفت؟

در اقتصاد امروز دنیا، اقتصاد دولتی مردود است. ما هم این تصمیم را چند سال قبل گرفتیم، امامت‌اسفانه مسیر این تصمیم منحرف شد. ما می‌بینیم مالکین بسیاری واحدهایی که از بخش دولتی خارج و واگذار شدند، صندوق‌ها و بنیادهایی هستند که عملاً دولتی‌اند. طبیعی است وقتی چنین فضایی وجود داشته باشد، صندوق‌های حوزه‌های نظامی هم می‌توانند وارد عرصه شوند. این انحرافی بود که از ابتدای واگذاری کارخانه‌ها و بنگاه‌های تحت تملک دولت صورت گرفت.

ارتباط حسنه دولت و سپاه در سال‌های اخیر موجب شد که واحدهای نظامی چنین اقبالی پیدا کنند که فعالیت‌های اقتصادی خود را گسترش دهند. چالش اصلی در نابرابر و غیرعادلانه بودن رقابت با موسسات اقتصادی وابسته به دولت و نیروهای نظامی است. اقتصاد ایران سال‌ها از رقابت دولت و بخش خصوصی رنج برده و این وضع اینک به رقابت بخش خصوصی با بنگاه‌های شبه دولتی مبدل شده است. تازه این وضع به مراتب مشکل‌تر است. دولت رقیبی است قابل شناسایی و قابل تشخیص و منبع و منشأش معلوم است اما وقتی اقتصاد در بخش شبه دولتی گردش می‌کند، دیگر معلوم نیست اداره‌کنندگان‌اش چه کسانی هستند.

و چشم‌انداز ادامه این ارتباط حسنه چه خواهد بود؟

چشم‌انداز مطلوبی نیست. زمانی که شفافیت در اقتصاد وجود نداشته باشد و تعادلی بین بازیگران این عرصه در کار نباشد، حرف زدن از اقتصاد سالم و شکوفا زانده است. ما به شدت نگرانیم و این نگرانی را مستقیم و غیرمستقیم با مسنولان در میان می‌گذاریم.

آیا باید منتظر ورشکستگی بخش قابل توجهی از واحدهای تولیدی میانه‌حال باشیم؟

انتظار لازم نیست. این روند مدتی است شروع شده است. امروز در جلسه اتاق بازرگانی در باره همین موضوع صحبت شد و رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن آماری ارائه کرد. واحدهای اقتصادی میزان فعالیت خود را روز به روز کاهش می‌دهند، درحال تعدیل نیرو هستند، آفت تولید دارند یا حتی تولید را متوقف کرده‌اند. در واقع به دلیل مبهم بودن قوانین ورشکستگی در کشور ماست که این واحدها رسماً ورشکسته اعلام نشده‌اند و گرنه بسیاری از این واحدها طبق قوانین و تعریف جهانی، ورشکسته هستند.